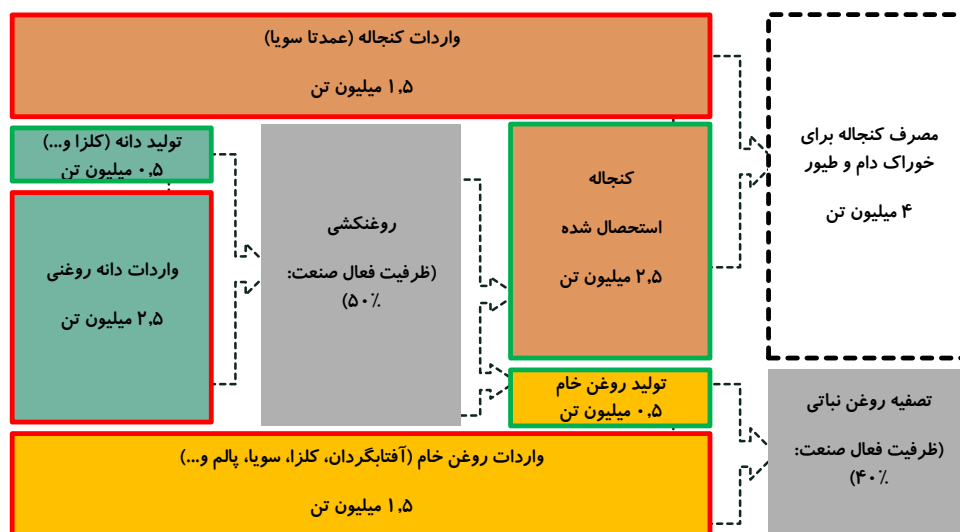


اصلاح اقتصاد زنجیره روغن با هدف تقویت تولید و صرفه جویی ارزی^۱

زنجیره دانه‌های روغنی و به طور ویژه سویا، یکی از راهبردی‌ترین زنجیره‌های غذایی در جهان محسوب می‌شود. اگرچه حدود نیمی از دانه‌های روغنی و فرآورده‌های آن در کشورهایی همچون هند، برزیل، روسیه و اوکراین کشت می‌شود، اما عمده گلوگاه‌های تولید و فرآوری تحت تسلط شبکه جهانی تجارت غذا و شرکت‌های بزرگ غربی است. این زنجیره درجه بالایی از یکپارچگی را دارد و شرکت‌های بزرگ، تولید و فرآوری آن را هم در کشورهای صادرکننده و هم در کشورهای واردکننده کنترل می‌کنند. ایران سالانه حدود ۳,۶ میلیارد یورو ارز به واردات دانه روغنی، انواع روغن خام و کنجاله سویا اختصاص می‌دهد و در هر ۳ محصول فوق بزرگترین واردکنندگان جهان محسوب می‌شود. اصلاح اقتصاد زنجیره روغن و شیوه تخصیص ارز در آن، منجر به صرفه جویی ارزی ۲۰ درصدی و فعال شدن ظرفیت‌های خالی تولیدی و صنعتی کشور می‌شود.

بیان مسأله

مراحل مختلف زنجیره تولید تا مصرف دانه روغنی و فرآورده‌های آن (روغن و کنجاله) در ایران در تصویر زیر نمایش داده شده است (اعداد تقریبی):



مطابق با این تصویر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در تمامی حلقه‌های زنجیره روغن واردات انجام می‌شود و این مسئله موجب شده است مراحل مختلف تولید، دچار اشتغال ناقص شود. در دهه‌های گذشته ظرفیت فراوانی برای صنایع تبدیلی این زنجیره ایجاد شده که از حیث امنیت غذایی نقطه قوت محسوب می‌شود. با این حال ۲۶ کارخانه روغن‌کشی احداث شده با ظرفیت بالقوه ۵,۳ میلیون تن، دارای ۲,۳ میلیون تن ظرفیت خالی است. همچنین ۵۸ کارخانه تصفیه روغن با ظرفیت بالقوه ۵ میلیون تن در کشور احداث شده که ۲,۸ میلیون تن آن بلا استفاده است.

^۱ تهیه شده توسط مهدی سروی مدیر گروه کشاورزی اندیشکده اقتصاد مقاومتی؛ بهمن ماه ۱۴۰۳ (دارای منابع و تحقیقات پشتیبان)

^۲ تولید سالانه دانه سویا نزدیک به ۴۰۰ میلیون تن، کلزا ۸۵ میلیون تن، دانه آفتابگردان ۵۵، بادام زمینی ۵۰، پنبه دانه ۴۰ و دانه پالم ۲۰ میلیون تن (مجموع تولید دانه‌های روغنی حدود ۶۵۰ میلیون تن) است. سالانه بیش از ۱۵۰ میلیون تن دانه سویا، ۵۰ میلیون تن کنجاله سویا و ۱۰ میلیون تن روغن سویا در جریان تجارت جهانی مبادله می‌شود. ۴ شرکت چندملیتی بونگه، کارگیل، آرچر و دریفوس ۶۰ درصد روغن‌کشی برزیل و ۸۰ درصد روغن‌کشی اروپا را در اختیار دارند و واردات ایران نیز بصورت غیر مستقیم از همین شرکتها انجام می‌شود.



- اقدام به واردات محصول نهایی با وجود ظرفیت خالی صنایع تبدیلی علاوه بر تضعیف تولید، موجب تحمیل هزینه ارزی مازاد برای واردات کالا با ارزش افزوده بیشتر می‌شود و وابستگی کشور به شرکت‌های چندملیتی غربی که زنجیره فرآوری را در اختیار دارند را نیز تشدید می‌کند. تمرکز بر واردات دانه سویا و استحصال روغن و کنجاله از آن، علاوه بر کاهش تحریم‌پذیری ناشی از وابستگی به غرب، موجب صرفه‌جویی ارزی نیز می‌شود.
- سویا از دهه ۱۳۴۰ بعنوان خوراک دام و طیور صنعتی در ایران رواج یافت و تولید دانه سویا برای اولین بار از سال ۱۳۵۲ توسط وزارت کشاورزی ترویج شد؛ اما در طول دهه‌های بعد تلاش موثری برای رشد تولید خوراک بومی طیور به اندازه مورد نیاز شکل نگرفته است. با وجود آنکه به دلیل خرده مالکی زمینها و سرمایه‌بر بودن کشت دانه روغنی به جای کالایی همچون گندم، سیاستگذاری کشت این اقلام کار ساده‌ای نیست، تخصیص ارز ترجیحی به واردات دانه روغنی و فرآورده‌ها، اجرای الگوی جایگزین را دشوارتر نیز کرده است.

تحلیل

دولت از ابزار «ارز ترجیحی» برای حمایت از زنجیره‌های تولید کشاورزی و صنایع غذایی استفاده نکرده است. در واقع اعطای ارز ترجیحی به محصولات نهایی در زنجیره دانه‌های روغنی، موجب کاهش ظرفیت فعال صنایع و از صرفه افتادن تولید شده و امکان برنامه‌ریزی مبتنی بر تولید را از دولت سلب نموده است. این درحالیست که استفاده درست از ابزار ارز ترجیحی می‌تواند همزمان به «رونق تولید و صنایع داخلی» و «صرفه‌جویی ارزی» کمک کند.

قیمت خرید یک تن دانه سویا برای ایران در حال حاضر بطور تقریبی ۴۵۰ یورو است. لذا با در نظر گرفتن نرخ تقریبی ۱۳۰۰ یورو برای روغن سویا، ۳۸۵ یورو برای کنجاله و ضریب استحصال ۱۸ درصد، واردات یک تن سویا به جای فرآورده‌های آن مطابق با محاسبات ارائه شده، معادل ۱۰۰ یورو (حدود ۲۰ درصد) صرفه جویی ارزی در واردات دانه، کنجاله و روغن به همراه خواهد داشت و ظرفیت خالی کارخانجات داخلی را نیز فعال خواهد کرد. دولت همچنین می‌تواند با اتصال «مجوز واردات سویا» به «تولید قراردادی دانه‌های روغنی»، هدف «خودکفایی ۴۰ درصدی در تولید دانه‌های روغنی» که در برنامه هفتم پیشرفت به دولت تکلیف شده را محقق نماید.

پیشنهادها

اصلاح اقتصاد زنجیره روغن از طریق «تمرکز تخصیص ارز ترجیحی به دانه سویا جهت تکمیل زنجیره ارزش در داخل» ضروری است. در ادامه این اقدام، لازم است «مجوز واردات دانه منوط به سرمایه‌گذاری و حمایت از تولید داخلی دانه‌های روغنی متناسب با اقلیم» شود تا در یک بازه زمانی مشخص به صورت تدریجی، میزان وابستگی به واردات کاهش یابد. ظرفیت خالی صنایع تبدیلی زنجیره روغن همچنین امکان استفاده در «طرح کلان تبدیل ایران به هاب غذا» را نیز دارد؛ به این صورت که دانه روغنی وارد شود، روغن استحصالی در داخل مصرف و کنجاله مازاد بر نیاز به کشورهای همسایه صادر شود. این اقدام می‌تواند به رونق مضاعف تولید و افزایش ارزآوری حاصل از آن کمک نماید.

مهم‌ترین الزام این برنامه اصلاحی در زنجیره روغن، «متنوع سازی بازیگران زنجیره روغن» است. ترکیب فعلی فعالان زنجیره روغن متشکل از تعداد محدودی بازیگر بزرگ است که در صورت عدم مدیریت صحیح این مسئله، انحصار تقویب می‌شود و این صنعت را از مزیت‌های رقابت برای توسعه کمی و کیفی محصولات دور نگه می‌دارد.